



يعقوب شه بخش

«جوهرالصقلی» فرمانده قشون خلیفه فاطمی «المعزالدین الله» با هدف ترویج عقائد و افکار فاطمیان، گذاشته شد. (الخفاجی، الأزهر فی ألف عام: ۲۸/۱) کار ساخت الأزهر که در آن زمان تنها یک مسجد بود، پس از گذشت دو سال در رمضان سال ۳۶۱ هـ / ژوئن ۹۷۲ م. به پایه تکمیل رسید و سه سال بعد به صورت رسمی حلقه‌های درس در آن پا گرفت. کلاس‌های درس الأزهر بالاخره در سال ۳۷۸ هـ / ۹۸۸ م. شکل منظم‌تری به خود گرفت و به یک نظام مستقل علمی تبدیل شد.

در سال ۵۶۷ هجری دولت ایوبیان به فرماندهی سلطان صلاح‌الدین ایوبی قدرت را در مصر به دست گرفت. در این دوران مدارس متعددی که براساس نظام‌های آموزشی جدید به فعالیت می‌پرداختند، در قاهره بنا شد و بسیاری از اساتید برجسته الأزهر با توجه به شرایط آن زمان، جذب این مدارس شدند که این فرایند موجب رکود علمی در الأزهر گردید.

پس از ایوبیان، ممالیک ترک‌تبار بر اریکه قدرت در مصر تکیه زدند. در دوره ممالیک بار دیگر الأزهر مورد اقبال قرار گرفت و رکن الدین بیبرس حاکم قدرتمند سلسله

نهادند. در سال ۱۱۷۱ میلادی پس از انقراض دولت فاطمی، سلطان صلاح‌الدین ایوبی مؤسس سلسله ایوبیان قدرت را در مصر به دست گرفت و پس از آن در سال ۱۲۶۰ میلادی ممالیک که از بردگان ترک‌تبار بودند، بر سرکار آمدند. (کدیور، مصر از زاویه‌ای دیگر: ۲۰) قرار گرفتن کشور مصر در جرگه امپراتوری بزرگ عثمانی در سال ۱۵۱۷ میلادی، و اشغال این کشور توسط فرانسوی‌ها در سال ۱۷۹۸ و ۱۷۹۹ و انگلیسی‌ها در سال ۱۸۸۱ میلادی، از جمله رخدادهای مهم دیگری است که می‌بایست به هنگام روایت تاریخ پرفرازونشیب مصر بدان اشاره کرد.

در عین حال، از یاد نبریم که مصر مهم‌ترین قطب علمی جهان اسلام به حساب می‌آید. این کشور در خود بزرگ‌ترین و باقدمت‌ترین مرکز علمی جهان اسلام، «الأزهر» را جای داده است؛ نهادی که بسیاری از آن با عنوان «آکسفورد مشرق زمین» یاد می‌کنند. به مصر باید از زاویه الأزهر نگریست شاید بتوان به جایگاه واقعی این منشور هزاررنگ پی برد.

### نگاهی به تاریخ الأزهر

سنگ بنای الأزهر، بیست و چهارم جمادی الأول سال ۳۵۹ هجری / آوریل ۹۷۰ میلادی توسط

امروزه از مصر، کشوری که پیشینه آن به عمق تاریخ می‌رسد و پرآوازه‌ترین فرهنگ و تمدن شناخته شده در تاریخ به آن اختصاص دارد، به عنوان تنها مرکز ثقل و نماد دنیای عرب یاد می‌شود. تاریخ چندین هزارساله مصر روایت‌گر تهاجم و سلطه بیگانگان بر این سرزمین در ادوار مختلف است. آشوری‌ها و ایرانی‌ها قبل از میلاد مسیح بر این کشور اعمال سلطه کرده‌اند. روزگاری نیز مصر جزء امپراتوری روم و بیزانس قرار گرفته و پس از آن، دوران حاکمیت مسلمانان بر این کشور فرامی‌رسد. با گره خوردن سرنوشت مصر با حاکمیت مسلمانان، فصل دیگری از تاریخ این کشور آغاز می‌شود، فصلی که پیوسته ادامه می‌یابد و سرانجام تبدیل به بخشی از هویت این سرزمین می‌شود.

دوران حاکمیت مسلمانان بر کشور مصر دارای مراحل مختلفی بوده و اثرات گوناگونی را نیز بر فرهنگ و تمدن این کشور برجای گذاشته است. در سال ۹۰۹ میلادی فاطمی‌ها بر این کشور تاختند و آن را مقر زمامداری خود قرار دادند. آنان همچنین به منظور ترویج باورهای مذهبی خود، «الأزهر» را که در حال حاضر بزرگ‌ترین مرکز علمی-فرهنگی جهان اسلام محسوب می‌شود، بنیان

ممالیک، به درخواست یکی از امیرانش که عزالدین ایدمر نام داشت، به مرمت مسجد الأزهر همت گمارد. در روز جمعه هجدهم ربیع‌الاول ۶۶۵ هـ/ هفدهم دسامبر ۱۲۶۶م. اولین مراسم نماز جمعه پس از گذشت نزدیک به صد سال، بار دیگر در الأزهر برگزار شد. (داج، دانشگاه الأزهر: ۵۲)

پس از ممالیک ترک‌تبار این بار نوبت به ترک‌های عثمانی رسید که قدرت را در مصر به دست گیرند. پس از ورود سپاهیان عثمانی به شهر قاهره سلطان سلیم فرمانده پراوازه عثمانی به مدت هشت‌ماه در مصر ماند و طی این مدت در بعضی از نمازهای جمعه الأزهر شرکت نمود و به مسجد پول نقد و هدایای دیگری نیز تقدیم کرد. در این دوره الأزهر مورد توجه و عنایت فاتحان ترک بود. در همین دوره بود که مقامات دولتی سمت «شیخ الأزهر» را دایر نموده و شیخ محمد عبد الخرشى المالکی را به عنوان اولین نامزد احراز این سمت تعیین کردند.

در آخرین سال‌های دوره حکومت عثمانیان، امیری ثروتمند به نام کتخدا عثمان بنای سه بخش الحاقی در الأزهر را آغاز کرد. وی فضای رواق‌الأتراک را که محل مسکونی طلاب ترک‌تبار بود و پیش از او قاتیبای آن را ساخته بود، وسعت داد و سپس رواق‌السلطانیه را ساخت که محل سکونت طلاب خراسانی و افغانی شد و بالاخره مدرسه‌ای نیز نزدیک دیوار شمال شرقی حیاط مسجد برای پسران نابینا ایجاد کرد که آن را «زاویه‌العمیان» نامیدند، شعبه‌ای که نشانگر توجه مقامات الأزهر به آموزش معلولان جسمی است. (همان: ۸۶)

اما از اشغال مصر توسط نیروهای فرانسوی به فرماندهی ناپلئون بناپارت در سال ۱۲۱۳هـ/ ۱۷۸۹م. می‌بایست به‌عنوان سرآغاز فصل جدیدی در مصر و الأزهر یاد کرد، چه از این تاریخ به بعد بود که الأزهر ضمن فاصله گرفتن از شیوه‌های آموزشی پیشین، به‌واسطه آشنایی با علوم نوین رایج در دنیای غرب، بخش آموزش دانش‌های جدید را پایه‌گذاری کرد.

ناپلئون که به‌خوبی دریافته بود مشایخ الأزهر رهبران واقعی مصر به حساب می‌آیند در همان گام نخست کوشید نظر موافق آنان را جلب کند. بر این اساس پس از ورود به قاهره ابتدا هیئتی ده نفره از مشایخ الأزهر تشکیل داد و ریاست آن را به شیخ عبدالله

الشرقاوی رئیس وقت الأزهر سپرد و سپس به‌منظور جلب نظر مصری‌ها، به‌ویژه علمای الأزهر، انستیتوی مصر را ایجاد کرد تا از این رهگذر متخصصان فرانسوی نظرات فنی خود را به مصری‌ها ارائه کنند. او همچنین در برخی از مراسم‌های مذهبی مسلمانان شرکت کرد و با صاحب‌نظران در مورد مسائل سیاسی به بحث و گفت‌وگو نشست. (همان: ۱۱۰)

با این همه از آنجایی که مردم مسلمان مصر به‌هیچ وجه نمی‌توانستند حضور اشغالگران فرانسوی را در کشور خود تحمل کنند و با آنان به همدلی و همکاری بپردازند، به رهبری مشایخ الأزهر و در رأس آنها شیخ السادات، علیه فرانسویان شوریدند و بدین ترتیب الأزهر به پایگاهی علیه حاکمیت ناپلئون و نیروهایش مبدل شد. ناپلئون با این‌که بسیار تلاش کرد از طریق علما مردم را به آرامش دعوت کند، اما موفق نشد؛ سرانجام به خشم آمد و الأزهر را به توپ و گلوله بست و به سربازان خود دستور اشغال آن را داد. الشرقاوی و چهار تن از همراهانش دستگیر شدند. شیخ السادات هم که تقاضای آزادی آنها را کرده بود به همراه برخی دیگر از علما تیرباران و جنازه‌اش در رود نیل انداخته شد. (ماهنامه مه‌نامه: ۱۸۲)

نیروهای فرانسوی سرانجام در اواسط شوال ۱۲۱۵هـ/ اوایل مارس ۱۸۰۱م. بر اثر حمله مشترک نیروی دریایی بریتانیا و ارتش عثمانی به مصر، شکست سختی را متحمل و مجبور به تخلیه مصر شدند. (داج، دانشگاه الأزهر: ۱۸۲) پس از خروج قوای فرانسوی، مردم مصر برای مدتی همچنان در اوضاعی آشفته به‌سر بردند تا این‌که محمدعلی پاشا یکی از افسران پادگان‌های نظامی که ترکان عثمانی به منظور بیرون راندن فرانسوی‌ها از خاک مصر به این کشور فرستاده بودند، با هدف سروسامان دادن به اوضاع، قد علم کرد و برای دستیابی به این هدف دست یاری به سوی علمای الأزهر و نیز آحاد ملت مصر دراز کرد. او در این راه به موفقیت‌هایی نیز نایل آمد، اما سرانجام در سال ۱۲۶۲هـ/ ۱۸۴۸م. از حکومت کناره گرفت تا پسرش ابراهیم پاشا جانشین او شود. اما ابراهیم پاشا را عمری به دنیا نبود و وی پس از گذشت تنها چند ماه درگذشت و عباس حلمی جانشین او شد. عباس از سال ۱۲۶۴ تا ۱۲۷۰هـ/ ۱۸۴۸-۱۸۵۸م. زمام امور را به

دست داشت و پس از او عمویش سعید پاشا حکمران مصر شد. (الخفاجی، الأزهر فی ألف عام: ۱۷۵)

در همین دوران بود که نقشه بنای الأزهر به معرض نمایش گذاشته شد و برای نخستین بار اروپاییان از چگونگی محوطه اندرونی الأزهر آگاه شدند. در این سال‌ها به شکل دیگری نیز سنت‌شکنی شد و آن انتخاب شورایی متشکل از چهار تن از مشایخ برای اداره امور الأزهر در دوران بیماری رئیس وقت دانشگاه شیخ ابراهیم الباجوری بود. (داج، دانشگاه الأزهر: ۱۱۹)

سعید پاشا بالاخره در سال ۱۲۸۰هـ/ ۱۸۶۳م. درگذشت و اسماعیل پاشا پسر ابراهیم پاشا جانشین او شد. در دوره حکومت اسماعیل پاشا، الأزهر به سرعت رشد کرد. در سال ۱۲۸۴هـ/ ۱۸۶۸م. الأزهر ۲۲۱ مدرّس داشت، تعداد طلبه‌های آن نیز به ۴۷۱۲ تن می‌رسید که این تعداد شش سال بعد یعنی در سال ۱۲۹۲هـ/ ۱۸۷۳م. به ۳۱۴ مدرّس و ۹۴۴۱ طلبه افزایش یافت.

اسماعیل پاشا علاقه و شیفتگی زایدالوصفی به الأزهر داشت و همواره مشایخ را تشویق می‌کرد تا هندسه، تاریخ و رشته‌های دیگری را به عنوان دروس اختیاری تدریس کنند. در سال ۱۲۷۸هـ/ ۱۸۷۰م. شیخ محمد المهدي به مقام ریاست این دانشگاه منصوب شد. رئیس جدید و اسماعیل پاشا، هر دو به نارسایی‌ها و پایین بودن سطح علمی الأزهر پی برده بودند، از این رو به‌منظور بالا بردن سطح علمی الأزهر، قانون معروف «سوم فوریه ۱۸۷۲م.» را تصویب کردند که به موجب آن نظام جدیدی پا گرفت و تحوّل شگرف ایجاد شد. این قانون در واقع نخستین حلقه از سلسله اصلاحاتی بود که می‌توانست الأزهر را در آینده‌ای نزدیک به یک دانشگاه مدرن تبدیل کند. (همان: ۱۲۱)

اسماعیل پاشا سرانجام با مشکلات سنگین اقتصادی که بیشتر آنها در اثر تکمیل کردن پروژه عظیم «کانال سوئز» بر کشورش تحمیل شده بود، گرفتار آمد و سرانجام در رجب ۱۲۹۶هـ/ ۱۸۷۹م. پس از اعلام ورشکستگی اسکندریه را ترک و پسرش توفیق پاشا را به عنوان حاکم جدید مصر تعیین کرد. توفیق پاشا به منظور مقابله با مشکلات اقتصادی راه‌های مختلفی را از جمله تأسیس کمیسیون بین‌المللی تسویه دیون امتحان کرد، اما به نتایج مطلوبی دست نیافت. از طرفی

الأزهر بوده است که با وجود بیش از ده قرن فراز و فرود، هیچ‌گاه از تلاش در جهت دستیابی به آن دست‌نکشیده است. تاریخ الأزهر علی‌رغم دوره‌های رکودی که در نتیجه اختلافات داخلی شکل گرفته است، تاریخی همراه با موفقیت، افتخار و سربلندی و عجین شده با انقلاب‌ها و قیام‌های مردمی است. الأزهر را پارلمان ملت و مشایخ آن را نمایندگان دلسوز و بی‌ادعای مردمان مصر نامیده‌اند؛ چراکه الأزهر در روزگار گذشته خود، انقلاب‌های بزرگ و تأثیرگذاری را رهبری کرده است و این خود برگ زرین دیگری در کارنامه پرافتخار آن به حساب می‌آید. نخستین انقلاب در سال ۱۲۰۰ هجری و زمانی اتفاق افتاد که شیخ الدردیر منصب شیخ‌الأزهر را در اختیار داشت. این

به هر ترتیب، بساط نظام سلطنتی بالاخره در چهارم شوال ۱۳۷۲هـ/ هجدهم ژوئن ۱۹۵۳م. توسط افسران انقلابی مصر از این کشور برچیده شد و نظام جمهوریت بر آن حاکم شد. با استقرار یک دولت متمرکز به رهبری سرهنگ جمال عبدالناصر، دانشگاه الأزهر دیگر دست‌خوش کشمکش نشد و فضای پرآشوب گذشته در قاهره جای خود را به نظم و آرامش داد. دولت مصر مشایخ الأزهر را به پذیرفتن اقدامات مترقی ترغیب کرد تا از این طریق در پیش‌برد و توسعه امور داخلی جمهوری نوپدید مصر سهیم شوند. (همان: ۱۶۵) در سال ۱۳۸۱هـ/ ۱۹۶۱م. نیز قانون توسعه علمی الأزهر تصویب شد، قانونی که به موجب آن، الأزهر به صورت رسمی به یک دانشگاه جامع دینی تبدیل شد و در مسیر توسعه و پیشرفت علمی در دنیای جدید گام نهاد. (الخفاجی، الأزهر فی ألف عام: ۲۰۷)

### روایتی از الأزهر در روزگار امروز

با گذشت بیش از ده قرن از زمان تأسیس الأزهر، این مرکز بزرگ علمی-آموزشی جایگاه شایان توجهی را در جهان اسلام به خود اختصاص داده است. از قدمت تاریخی آن که بگذریم، عوامل متعدّد دیگری را می‌توان زمینه‌ساز نیل الأزهر و علمای آن به چنین جایگاهی دانست.

الأزهر همواره سرمنشأ حیات دینی و انجام فعالیت‌های علمی-فرهنگی در جهان اسلام بوده و از همان روزهای نخست پس از تأسیس، حمایت و پشتیبانی از نهضت‌های علمی را سرلوحه کار خود قرار داده است. آنچه در طول بیش از ده قرن، الأزهر را نسبت به سایر مراکز علمی متمایز نشان می‌دهد، وجود علمای مصلح در بدنه این مجموعه کلان می‌باشد. مردان مردی که همواره تلاش کرده‌اند چشم بر واقعیت‌های موجود فرونهند و ضمن رصد کردن آخرین تحولات جهان، با هوشیاری همگام با دنیای پیرامون خود حرکت کنند. یکی از ویژگی‌های خاص الأزهر این بوده که پیوسته مسیری پرنوسان را پشت سر گذاشته است. آشنا ساختن هرچه بیشتر مسلمانان امروز با اصول و مبانی دینی که به آن تمسک جسته‌اند، در کنار حراست و پاسداری از ارزش‌های فکری و معنوی دین اسلام، از همان ابتدا دو هدف تعیین‌شده فراروی

اوضاع اجتماعی در مصر روزبه‌روز متشنج‌تر شد تا این‌که در روز ۲۲ رجب ۱۲۹۹/ ۱۱ ژوئن ۱۸۸۲ بر اثر یک اتفاق، درگیری‌های خشونت‌آمیزی در شهر اسکندریه رخ داد که به قتل ۵۰ تن از اروپاییان ساکن در این شهر و فرار چهارده‌هزار مسیحی از کشور مصر منجر شد. به دنبال این جریان نیروی دریایی بریتانیا در اسکندریه ضرب‌الأجلی صادر کرد و چون مصری‌ها به آن وقعی ننهاده‌اند، بریتانیا مستقل از هم‌پیمانانش اقدام به پیاده‌کردن نیرو در اسکندریه کرد و در روز ۲۹ شوال ۱۲۹۱/ سیزدهم سپتامبر ۱۸۸۲ شهر قاهره را به اشغال کامل خود درآورد. (همان: ۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷) توفیق پاشا ناچار شد به تمام خواسته‌های انگلیس گردن نهد و کلیه اصلاحاتی را که آنها پیشنهاد می‌کردند، بپذیرد. در سال ۱۳۰۹/ ۱۸۹۲ عباس حلمی دوم جانشین توفیق پاشا شد و در همین سال در کنار بازدید از پاره‌ای از فعالیت‌های عمرانی، از الأزهر نیز دیدار کرد. در دوره عباس حلمی دوم اصلاحات گوناگونی در الأزهر ایجاد شد که از آن جمله می‌توان به نوسازی‌های ساختمانی و تأسیس کتابخانه مرکزی اشاره کرد. هم‌زمان با انجام نوسازی‌های ساختمانی در الأزهر دگرگونی‌های مهمی نیز در بخش‌های علمی این دانشگاه در حال شکل گرفتن بود. این اصلاحات تا حدود زیادی توسط چهره ماندگار و تأثیرگذار دانشگاه الأزهر شیخ محمد عبده آغاز شد. (همان: ۱۳۳) در همین دوران قوانین متعددی نیز به تصویب رسید که باعث گسترش نفوذ الأزهر در سراسر کشور شد. همچنین در ۱۸ محرم ۱۳۱۴/ اول ژوئیه ۱۸۹۶ قانونی تصویب شد که برای الأزهر اهمیت به‌سزایی داشت. به موجب این قانون، مقام رئیس دانشگاه به عنوان رئیس شورای مدیریت و رئیس اجرایی دانشگاه الأزهر و مدارس وابسته به آن رسمیت یافت و ترکیب شورای مدیریت و تشکیل جلسات آن به قرار هر پانزده روز یک بار تعیین شد. در آغاز قرن بیستم میلادی، با توجه به اصلاحاتی که در واپسین سال‌های قرن نوزدهم به همت شیخ محمد عبده و دیگر مشایخ الأزهر شکل گرفت، شرایط الأزهر تا حدودی مطلوب‌تر از گذشته بود. همچنین در نتیجه افزایش بودجه الأزهر در این سال به ۱۴۰۰۰ پوند در سال، مشایخ برجسته آن بیش از گذشته حقوق دریافت کردند. (همان: ۱۴۲)



انقلاب که حاصل شهامت و پایداری علمای الأزهر بود، موجب احترام گذاشتن به حقوق آحاد ملت از سوی حکومت‌گران کشور مصر در آن روزگار شد. دوّمین انقلابی که الأزهر در شکل‌گیری آن نقش به‌غایت تأثیرگذاری را ایفا کرد، درست نه سال بعد در سال ۱۲۰۹ و به رهبری و زعامت شیخ مبارز عبدالله الشرفاوی شکل گرفت که در نتیجه آن این نکته به اثبات رسید که در هر کشوری تنها ملت می‌تواند سرمنشأ حکومت و قدرت باشد و سرنوشت خود را رقم بزند. در زمان اشغال کشور مصر توسط فرانسویان، باز این علمای الأزهر بودند که تمام مشکلات و رنج‌ها را به جان خریدند و در نقش رهبرانی مبارز از پایگاهی مستحکم و مردمی به نام الأزهر به جهت‌دهی ملت مسلمان مصر پرداخته و به آنان درس آزادی

و ایثار آموختند.

در کنار این نقش‌آفرینی‌های مؤثر در عرصه قیام و به‌پاخاستن علیه ظلم و تجاوز بیگانگان، الأزهر همواره توجه بسیاری به بخش آموزش و پرورش که رسالت واقعی هر مجموعه علمی- آموزشی‌ای می‌باشد، داشته است. بر این ادعا وجود مشایخ برجسته‌ای که طی ادوار مختلف در الأزهر دانش آموخته‌اند و بعدها به قطب‌های علمی در سراسر جهان اسلام تبدیل شده‌اند، صحه می‌گذارد.

در این میان آنچه بیش از هر چیز دیگری در الأزهر جلب توجه می‌کند، توجه و تأکید برنامه‌ریزان این مرکز عظیم آموزشی به قرآن مجید است. مدارس و مؤسساتی که تحت نظارت الأزهر به فعالیت می‌پردازند به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده‌اند که دانش‌آموزی که در سن پنج سالگی وارد این مدارس می‌شود در طول ۶ سال علاوه بر فراگیری سایر دروس، می‌بایست ۲۰ جزء قرآن مجید را حفظ کند. مدت آموزش راهنمایی هم سه سال است که در این مدت بقیه جزءهای قرآن حفظ می‌شود. (ماهنامه مهرنامه: ۱۸/۲)

تحقیق و پژوهش نیز از جمله برنامه‌های مهم دیگری است که در الأزهر به آن اهمیت به‌سزایی داده می‌شود تا جایی که بخش مستقلی با عنوان «مجمع البحوث الاسلامیه» بدان اختصاص یافته است. هر پژوهشی که در کشور مصر انجام می‌گیرد ابتدا به این مجمع ارسال می‌شود تا مورد بررسی قرار گیرد و پس از تأیید مجمع به چاپ سپرده می‌شود.

### ساختار سازمانی الأزهر

الأزهر در آغاز تأسیس، تنها یک مسجد بود تا این‌که در دوران العزیز بالله خلیفه فاطمی از شکل یک مسجد بیرون آمد و به مدرسه‌ای برای تدریس علوم دینی، زبان، منطق، طب، ریاضیات و نجوم تبدیل شد. با آغاز قرن بیستم میلادی، اصلاحاتی چند لایه به همت مشایخ برجسته‌ای همچون شیخ محمد عبده، نظام اداری و سیستم آموزشی الأزهر را متحول کرد. در این زمینه اولین گام تشکیل نخستین انجمن اداری الأزهر در ششم رجب ۱۳۱۲ هجری بود. پس از آن قانون مشهور «شماره ۱۰» در سال ۱۹۱۱م. به تصویب رسید و به موجب آن نظام آموزشی الأزهر شکلی کاملاً رسمی و قانون‌مند به خود گرفت. در سال ۱۹۳۰م. «قانون شماره ۴۹»

به تصویب رسید و به دنبال آن الأزهر به یک دانشگاه رسمی که متشکل از سه دانشکده اصول دین، دانشکده شریعت اسلامی و دانشکده زبان و ادبیات عرب بود، تبدیل شد و بالاخره در سال ۱۹۳۶م. با تصویب «قانون شماره ۲۶» و افتتاح کرسی تحصیلات عالی، روند توسعه علمی الأزهر وارد مرحله دیگری شد. این روند همچنان ادامه یافت و در پنجم ژوئیه ۱۹۶۱ با تصویب «قانون ۱۰۳» که بعدها به قانون «توسعه» شهرت یافت وارد فاز نهایی خود شد. به دنبال تصویب این قانون و اجرای آن، الأزهر به‌عنوان بزرگ‌ترین مجموعه علمی- اسلامی که به تنظیم، حفظ و نشر آثار و ارزش‌های اسلامی می‌پرداخت، مطرح شد. در قانون توسعه که تصویب‌کنندگان آن سازماندهی مجدد الأزهر را مدنظر داشتند، همچنین تصریح شده بود که در کنار شیخ‌الأزهر فردی



به عنوان سرپرست الأزهر نیز انجام وظیفه کند. همچنین براساس این قانون مؤسساتی که مجموعه کلان الأزهر را شکل می‌دادند به ترتیب ذیل تعریف شدند:

۱. شورای عالی الأزهر که «مجلس الأزهر الأعلى» نامیده می‌شود و بالاترین مرجعی به حساب می‌آید که مسئولیت امور را به طور کامل برعهده دارد.

۲. پژوهشکده تحقیقات اسلامی (مجمع البحوث الاسلامیه) که یکی از مؤسسات ناظر بر چاپ و نشر کتاب به حساب می‌آید و همچنین در آن تدارک کنفرانس‌های سالانه، اعزام مبلغ و انتشار مجلات با حضور بیش از ۶۰ تن از متفکران و دانشمندان بزرگ دینی مصر انجام می‌گیرد.

۳. دانشگاه الأزهر (الجامعة الأزهریه) که اختصاص به آموزش‌های عالی و مباحث مربوط به آن دارد.

۴. مؤسسات آموزشی وابسته به دانشگاه الأزهر (المعاهد الأزهریه) که دانش‌آموختگان آن پس از پایان تحصیلات به دانشگاه الأزهر راه می‌یابند.

در حال حاضر دانشگاه الأزهر ۶۲ دانشکده دارد که رشته‌های مختلف تخصصی در آنها تدریس می‌شود. در کنار این مجموعه از دانشکده‌ها، الأزهر دارای پنج شاخه مستقل دیگر نیز است که از سه بخش آموزش علوم اسلامی، آموزش علوم نظری و آموزش علوم عملی تشکیل شده‌اند. (سایت اختصاصی دانشگاه الأزهر)

شیخ‌الأزهر در رأس تمام فعالیت‌های مجموعه کلان الأزهر قرار دارد و در عین حال به‌عنوان مشاور امور دینی، در دولت به فعالیت می‌پردازد.

در الأزهر برای هر یک از دانشکده‌های وابسته به آن، رئیس دانشکده تعیین شده و علاوه بر این متصدیان دیگری نیز برای اداره امور مالی، بایگانی، ثبت‌نام، برگزاری آزمون‌ها، کتابخانه، امور طلاب خارجی، نشریات، چاپخانه و دیگر امور گماشته شده‌اند. (داج، دانشگاه الأزهر: ۱۶۸-۱۶۹) اداره بازرسی بخش مستقلی از این مجموعه است که در آن توجه خاصی به زبان عربی می‌شود. یکی از خدمات این اداره فراهم آوردن ادبیات اصیل و ارائه اطلاعات دقیق به مراجعان و پرسش‌گران است. همچنین کمیته فتوا نهاد مستقل دیگری در الأزهر به حساب می‌آید که از نمایندگان مذاهب چهارگانه اهل سنت تشکیل می‌شود. این کمیته در واقع یک هیئت مشورتی است که فتوای شرعی را در مورد دعاوی و مسائل مورد نیاز عموم صادر می‌کند. (همان: ۱۸۵)

و اما کتابخانه‌های الأزهر که هم‌اکنون بیش از نیم میلیون نسخه کتاب در آن وجود دارد که بیش از ۴۰۰۰۰ نسخه از این تعداد، کتاب خطی و نادر است، در سال ۱۸۹۶م. و در زمان شیخ محمد عبده تأسیس شد و کتاب‌های پراکنده در رواق‌های مختلف الأزهر را در یک‌جا گرد هم آورد. کتابخانه‌های الأزهر دومین کتابخانه بزرگ کشور مصر پس از کتابخانه «دارالکتب المصریه» به حساب می‌آید. (سایت حوزه نت)

در الأزهر همچنین چهار نوع فعالیت مهم علاوه بر برنامه‌های درسی انجام می‌گیرد؛ نخست این‌که بخشی برای دعوت و ارشاد در این دانشگاه دایر است که برنامه‌هایی برای

الأزهر از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۰م. از کلیدی‌ترین این مناصب است. (سایت الدستور مصر)

### سخن پایانی

از یاد نبریم که الأزهر ده قرن تمام یک مرکز فعال علمی - آموزشی در دنیای اسلام بوده است؛ زمانی که بغداد در شرق و قرطبه در غرب بر اثر حمله مغول‌ها و صلیبی‌ها از حرکت بازایستادند، الأزهر مشعل علم و معرفت را همچنان روشن نگه داشت و نیز در آن هنگام که ظلم و استبداد جریان تفکر اسلامی را نازا می‌کرد، این الأزهر بود که در جهت گسترش اخلاق و عرفان تلاش می‌کرد، و بالاخره الأزهر بود که در سال‌های استیلای قوای بیگانه بر مصر، مردم این کشور آن را به عنوان میعادگاه دفاع از آزادی عزیز می‌شمردند.

در پایان سخن دکتر یوسف قرضاوی، رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان، را در مورد رسالت الأزهر ذکر می‌کنیم که می‌گوید: «من حق الأزهر آن یکون أزهرًا للمسلمین لا لمصر وحدها»؛ «زینده الأزهر است که از آن همه مسلمانان باشد نه فقط متعلق به کشور مصر». (القرضاوی، رساله الأزهر بین الأُمس و الیوم و الغد: ۱۳۶)

### منابع:

- ۱- الخفاجی، الدكتور عبدالمنعم؛ الأزهر فی ألف عام؛ بیروت: عالم الکتب/ مکتبه الکلیات الأزهریه، ۱۴۰۸هـ/ ۱۹۸۸م.
- ۲- داج، بیار؛ دانشگاه الأزهر؛ ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی؛ چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷.
- ۳- القرضاوی، یوسف؛ رساله الأزهر بین الامس والیوم والغد؛ بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۲۲هـ/ ۲۰۰۱م.
- ۴- کدیور، جمیله؛ مصر از زاویه‌ای دیگر؛ چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲.
- ۵- ماهنامه مهرنامه؛ سال اول، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۸۹.
- ۶- سایت اختصاصی دانشگاه الأزهر <http://www.azhar.edu.eg>
- ۷- سایت الدستور مصر (۱۹ مارس ۲۰۱۰م.) <http://www.dostor.org>
- ۸- سایت حوزه نیوز <http://www.hawzahnews.com>
- ۹- سایت حوزه نت <http://www.hawzah.net>

عبد الخرشى المالکی به این مقام منصوب شد. از آن زمان تاکنون بیش از چهل و پنج تن از مشایخ برجسته الأزهر به این مقام دست یافته‌اند و در حال حاضر دکتر احمد محمد احمد الطیب به عنوان شیخ الأزهر، اداره امور عالی‌ترین موسسه آموزش علوم اسلامی جهان اسلام را برعهده دارد.

انتخاب شیخ الأزهر تا سال ۱۹۵۰م. توسط بزرگان و مشایخ الأزهر صورت می‌گرفت، بدین شکل که آنان ابتدا سه نفر را از میان خود انتخاب می‌کردند و سپس رئیس‌جمهور مصر از میان این سه کاندیدا یک نفر را به مقام شیخ الأزهر منصوب می‌کرد. اما این روند رفته‌رفته دچار تغییر شد و امروزه شخص رئیس‌جمهور مستقیماً یک نفر را از میان مشایخ الأزهر به عنوان شیخ الأزهر برمی‌گزیند. (سایت حوزه نیوز)

و اما رئیس دانشگاه الأزهر که هم‌اکنون شیخ عبدالله الحسینی معاون سابق اموردانشجویی دانشگاه الأزهر این مسئولیت را برعهده دارد، تنها به مدیریت امور دانشگاه می‌پردازد و شیخ الأزهر علاوه بر نظارت بر مدیریت دانشگاه، ریاست شورای علمای دانشگاه را برعهده دارد و از جایگاهی مذهبی به عنوان بلندپایه‌ترین مقام روحانی مصر نیز برخوردار است.

دکتر احمد محمد احمد الطیب رئیس سابق دانشگاه و شیخ کنونی الأزهر در سال جاری میلادی به دنبال درگذشت شیخ محمد سید طنطاوی، شیخ سابق الأزهر، جانشین وی شد. دکتر احمد الطیب در ششم ژانویه ۱۹۴۶م. در روستای قرنه از توابع شهر اقصی در جنوب مصر چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را نزد پدرش که بنیان‌گذار یکی از طریقت‌های صوفیه جنوب مصر بود، پشت سر گذاشت و در سن ده سالگی پس از حفظ قرآن مجید، وارد مدارس وابسته به الأزهر شد. او بالاخره در سال ۱۹۷۷م. موفق به کسب مدرک دکترا در رشته فلسفه و عقاید از این دانشگاه شد و بخشی از مراحل اتمام پایان‌نامه خود را در دانشگاه سوربن فرانسه گذراند.

دکتر احمد الطیب تاکنون مقام‌های مدیریتی بسیاری را تجربه کرده است که ریاست دانشکده اصول دین دانشگاه بین‌المللی اسلام‌آباد پاکستان در سال تحصیلی ۱۹۹۹-۲۰۰۰م.، مفتی اعظم کشور مصر بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳م. و ریاست دانشگاه

سخنرانان و وعظ ترتیب می‌دهد تا در مجامع عمومی و میان گروه‌های مختلف در سراسر مصر حضور یابد و به تحکیم اعتقادات معنوی بپردازند. وعظ الأزهر نه تنها در جوامع روستایی و مساجد شهری بلکه در گردشگاه‌های تابستانی، اردوگاه‌های ارتش، مراکز آوارگان و کارخانه‌ها فعالیت می‌کنند. دومین فعالیت فوق‌برنامه در الأزهر تشکیل کلاس برای کسانی است که می‌خواهند تا آنجایی که امکان دارد درباره مسائل دینی کسب اطلاعات کنند. سومین فعالیت فوق برنامه الأزهر اعزام هیئت‌های تبلیغی به کشورهای دیگر است. این هیئت‌ها از مشایخ برجسته تشکیل می‌شود که برای مدتی کوتاه به کشورهای خارجی اعزام می‌شوند. و بالاخره چهارمین و آخرین فعالیت فوق‌برنامه در الأزهر انتشار مجله و نشریه است که چاپ آن هم‌زمان با به راه افتادن چاپخانه دانشگاه آغاز شده است. (داج، دانشگاه الأزهر: ۱۸۴)

در مورد شرایط تحصیل در الأزهر و مدارس تابعه آن باید گفت هر دانش‌آموز پسر برای کسب مجوز ورود به دوره ابتدایی یکی از مدارس وابسته به الأزهر باید ابتدا در مدرسه محله خود خواندن و نوشتن، حساب ساده و املا را آموخته باشد. همچنین باید یازده سال سن داشته و قادر به حفظ کردن قرآن مجید باشد. دوره‌های مدارس ابتدایی چهار سال و متوسطه پنج سال است. با این حساب دانش‌آموزی که از این مدارس دانش‌آموخته می‌شود هم‌سن و سال آن‌دسته از دانشجویان اروپایی و امریکایی است که تحصیلات دوره فوق‌دیپلم را به اتمام رسانده‌اند.

در بخش آموزش دانشگاه الأزهر نکته مهم و قابل اشاره آن است که طلبه‌ها علاوه بر تعلیمات آکادمیک به شرکت در فعالیت‌های ورزشی مختلف نیز تشویق می‌شوند. حتی یکی از اعضای شورای عالی دانشگاه مأموریت دارد مسابقات ورزشی را در دانشکده‌ها و مدارس وابسته به الأزهر توسعه دهد. (همان: ۱۸۰-۱۸۱)

### شیخ الأزهر، عالی‌ترین مقام در

#### عالی‌ترین مرکز آموزش علوم اسلامی

مقام شیخ الأزهر چند قرن پیش، در زمان حاکمیت خلفای عثمانی بر مصر، پس از تفکیک از مقام رئیس الأزهر، به رسمیت شناخته شد و برای اولین بار شیخ محمد